

درس چهارم ارزیابی فرهنگ‌ها

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و...

وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟ **خیر**

مرز و محدوده ی فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر چه اساس تغییر می کند؟ توضیح دهید شهریور 99

فرهنگ آرمانی را تعریف کنید. شهریور 97

انسان ها اغلب خدمت به همنوعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت داری را خوب و پسندیده می دانند و خیانت، دروغ گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می دانند، عمل می کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش ها و هنجارهایی است که از آنها طرف داری می کنند؟ ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی» نامیده می شود. **آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند، «فرهنگ واقعی» نام دارد.**

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان ها و ارزش ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان ها وارد فرهنگ واقعی می شوند اما اگر مردم به آرمان ها و ارزش هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد. **در چه صورتی فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد**

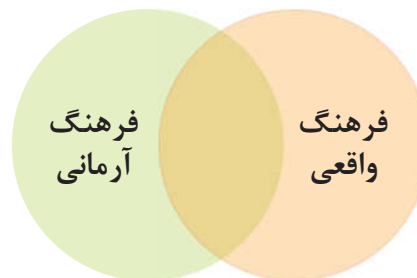


■ شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و همزمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر
■ محل شهادت شهید رسول حیدری اولین شهید ایرانی در بوسنی و هرزگوین سال ۷۲



وظیفه برنامه ریزان فرهنگی چیست؟

برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می کنند که از طریق **تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.**



۱- آرمان ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار فرهنگ است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می کنند و برخی هم آن را مراعات نمی کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند.

این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفتی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (صف: ۳ و ۴).

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ساده‌زیستی	احترام به پدر و مادر
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
.....

مهم

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان بر اساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها و ارزش‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟ **بله** **خیر**

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، هنجارها و سنت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست‌اند.

تفاوت فرهنگ حق و فرهنگ باطل را بنویسید. شهریور 99

فرهنگ حق را تعریف کنید. شهریور 97 خرداد 99

بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد،

«فرهنگ باطل» است. فرهنگ باطل را تعریف کنید. خرداد 96



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد که هر سال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.

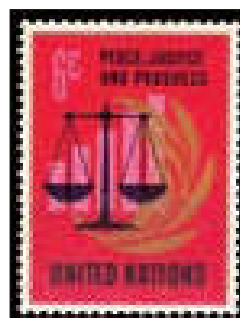
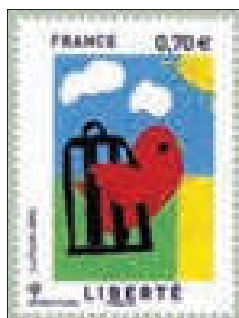


■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

چند مورد از ارزش‌های فرهنگ حق را نام ببرید. شهریور 96

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر

از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. چند مورد از ارزش‌های فرهنگ باطل را نام ببرید. شهریور 96
شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.
آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟



کدام علوم می توانند در باره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند؟

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ چگونه شناخته می شود؟

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود.

علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن

شیوه مداوای بیماران را با روش های تجربی می توان شناخت. **نو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها**

را نام ببرید شهریور 99

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها را نمی توان با روش ها و علوم تجربی شناخت. **عقل و وحی**

دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می گیرند،

می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند.

در جهان هستی موجودات و پدیده های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش های مناسب خود شناخته می شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده های طبیعی را از راه مشاهده و حس می شناسد، اما امور غیر طبیعی، محسوس نیستند و نمی توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد؛ از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت نسبت به دیگران پی می بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می کند.

علوم اجتماعی همواره از **حس، عقل و وحی** برای شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی بهره می برد. تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی معنا دارند و از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این رو این علوم وقتی از آغاز و انجام زندگی انسان با ارزش ها و آرمان های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادی و... سخن می گویند، از روش های عقلانی و وحیانی بهره می برند.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده ای در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیر علمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش های متعددی مواجه شد و کم کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از چالش ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می دانیم نه آنچه علم ریاضی می گوید؛ مثلاً هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطا می دانیم.

خیلی مهم مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی

فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> ● شناخت طبیعت و قوانین آن ● پیش بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت ● رهاسازی انسان از محدودیت های طبیعت 	<ul style="list-style-type: none"> ● شناخت و فهم معانی کنش های آدمیان و پیامدهای آن ● شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش های او تأثیر دارند یا پیش بینی کنش ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری ● شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش های خوب و بد انسان ها ● انتقاد از کنش های ناپسند و ظالمانه انسان ها ● رهاکردن و آزادسازی انسان ها از ظلم ها و اسارت هایی که در اثر کنش های انسان ها پدید می آید. ● نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش های ابزاری

علوم تجربی

از طریق

امور طبیعی

راه های شناخت

عقل

امور فرا طبیعی

وحی

* راه های شناخت سه تاست: علوم تجربی - عقل - وحی

* فرهنگ هایی که فقط به علوم تجربی عقیده دارند، نمی توانند در مورد بعضی از امور نظر بدهند. مثلا در مورد وجود جهان دیگر و فرشته ها نمی توانند نظر بدهند

بخوانیم و بدانیم

غربی ها در مراسم تشییع جنازه نزدیکانشان اشک نمی ریزند؛ اندوه خود را پنهان می کنند و اگر گریه شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می کنند اما مراسم را باشکوه برگزار می کنند. مرده را در تابوتی گران بها می گذارند، لباس های رسمی به او می پوشانند و دفنش می کنند. برعکس، ایرانی ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی کنند و مرده را بدون لباس های فاخر به خاک می سپارند.

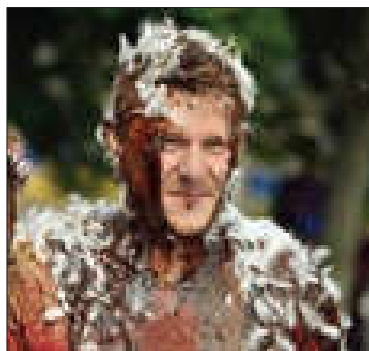
غربی ها خیلی سرد و بی احساس اند یا ایرانی ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می کنیم. جامعه شناسان این کار را اشتباه می دانند. به نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی ها سرد و بی احساس اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی کنند یا آنها بگویند که ایرانی ها ضعیف و احساساتی اند چون بسیار برای مردگان خود می گریند، هیچ کدام قضاوت های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ ها و داوری علمی و عقلانی درباره آنها وجود ندارد. ما می توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم. برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به عنوان یک فرد بیرونی می توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه ای باشد، ما می توانیم درباره نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه ای عدالت را از یاد برده و به بی عدالتی عادت کرده باشد، می توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و...

فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ هاست.

خیلی مهم



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه ها و مکان های عمومی با پیکره ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزیین می شود.



■ سیاه کردن عروس و داماد پیش از عروسی در روستاهای اسکاتلند اجرا می شود. در این رسم بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها بتوان عروس و داماد را کثیف کرد به طرفشان پرتاب می کنند.

برخی حق یا باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ **خیر** آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ **خیر**

می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ **خرداد 92** حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل، و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، **یول پرستی** و **شرک** از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند و باطل بودن آنها با نوع مواجهه جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ جوانان سیاه‌پوست به طور متوسط بیش از همسالان سفیدپوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس‌وجو قرار می‌گیرند.



■ دیوار حائل بتونی در کرانه باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

چهار مورد از عقاید و ارزش های حق که درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند را نام ببرید

1 توحید، آزادی انسان ها از همه بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان ها، از عقاید و ارزش های حق اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش ها، آنها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی دارند.

بنابراین، حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی کنند.

نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ ها حضور دارند، نام ببرید. به نظر شما به چه دلیل این آرمان ها در اکثر فرهنگ ها حضور دارند؟

شهریور 95
دی 96

آرمان حق				
وفای به عهد	راست گویی	دفاع از حق	حمایت از مستضعفان

شهریور 96

آیا می توانید برخی پدیده های باطلی را که در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی فرهنگ ها وجود دارد، شناسایی کنید؟

تکثیر (مال اندوزی)	قبیله گرایی
--------------------	-------------	-------	-------

شهریور 96

* حقایق ثابت هستند

عقاید و ارزش های حق همیشه حق هستند و با نظر مردم تغییر نمی کنند

عقاید و ارزش های باطل همیشه باطل هستند و با نظر مردم تغییر نمی کنند

ولی برای جوامع، این امکان وجود دارد که طبق آیین حق، رفتار کنند و یا طبق آیین باطل رفتار کنند یا یک زمانی، طبق آیین حق رفتار کنند و یک زمان دیگر طبق آیین باطل

مفاهیم اساسی

فرهنگ حق،

خلاصه کنید

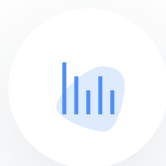
فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌هاست.

آنچه از این درس آموختیم



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد